



● قوتل شوقیله قورقماق بولور

من زنم و حق کار دارم

روایتی نامعلوم از مجوز کار زنان مهاجر در ایران

گذرنامه خانواری، می‌توانند درخواست پروانه کار بدهند.

دارندگان این پروانه کار شمول ماده ۱۲۲قانون کار هستند. افراد دارای گذرنامه اقامتی (توریستی، سیاسی و ...) نیز درصورت نیاز کارفرما می‌توانند درخواست مجوز کار بدهند. دانشجویان دارای گذرنامه تحصیلی حق کارکردن ندارند و در صورت تخلف پاسپورت آنها باطل می‌شود. پس از پایان تحصیلات و تبدیل پاسپورت تحصیلی به پاسپورت کاری اجازه تحصیل ندارند.

سمیه که مدرک کارشناسی مدیریت مالی خود را گرفته و به‌دنبال دریافت مجوز کار بوده می‌گوید:

«به من گفتن باید ویزای کاری بگیري، این‌جوری اجازه تحصیل نداری. اما من می‌خوام کار کنم تا بتوانم تا ارشد بخونم، اکه قرار باشه اجازه درس خوندن نداشته باشم، مفت نمی‌ارزه. دیگه بی‌خیالش شدم».

دانشجویان مهاجر (یا بین‌الملل) برای تأمین حداقل‌های زندگی و پرداخت شهریه، خوابگاه، کتاب و... به شغلی امن نیاز دارند که به نظر می‌رسد قوانین ایران این مهم را در نظر نگرفته است.

افرادی که به‌تازگی وارد ایران شده‌اند و برگه سرشماری دارند، در طرح جدید تعیین وضعیت شغلی مردان اتباع خارجی شرکت کرده‌اند تا برای مجوز کار آنان تصمیم‌گیری شود.

در رابطه با تعداد مهاجران شاغل در ایران هم آمار درستی در دست نیست؛ چراکه بخش غیررسمی فعال و اطلاعات کافی در این مورد وجود ندارد. طرح تعیین وضعیت شغلی مردان اتباع خارجی تا پایان اردیبهشت ۱۴۰۲ ادامه دارد و تا این لحظه ۴۲۰ هزار و ۵۰۷ نفر اطلاعاتشان در سامانه جامع اشتغال اتباع خارجی وزارت ثبت و درباره تعداد ۱۲۸هزارو ۹۰ نفر تصمیم‌گیری شده است.

در گذشته نیز در اطلاعیه صدور و تمدید پروانه کار، از سرپرست و فرزندان ذکور (مردان) خانوار دعوت می‌شد که نشان از نادیده‌گرفتن زنان مهاجر در روند اجرائی است.

زنان مهاجر کجای این قانون هستند؟

در قانون کار خبری از محدودیت درباره اشتغال زنان مهاجر نیست. در دستورالعمل‌ها و آیین‌نامه‌ها نیز نه از لفظ مردان استفاده می‌شود و نه زنان از استثنائات دسترسی به حق کار به شمار می‌روند. درحالی‌که در سرشماری‌ها و اطلاعاتیه از مردان دعوت می‌شود و در لیست مشاغل مجاز اتباع، عناوین شغلی‌ای نوشته شده که زنان حتی اگر بخواهند هم بعید است کارفرما اجازه دهد.
باین‌مهمه، زنان دارای کارت آمایش بعد از حضور در دفاتر کفالت یا اداره کار با ممنوعیت روبه‌رو می‌شوند.

سمیه که فارغ‌التحصیل رشته مدیریت مالی است و زبان

تدریس می‌کند، از تجربه‌اش می‌گوید:

«من با خیال اینکه سال‌ها قبل خواهرم تو کادر اداری آموزشگاه کار می‌کرد و بیمه هم شده بود، رفتم اداره بیمه، برای بیمه و... اقدام کردم، یه آقای اونجا گفـت: من تا حالا ندیدم به کسی مجوز کار بدن، مگه رشتهت پزشکی و پیراپزشکی باشه. بعدش رفتم اداره کار به آقای دیگه‌ای بود که خیلی هم رفتارش بد بود، گفـت: به خانوما مدرک نمی‌دیم. یا باید سرپرست خانواده باشی یا پدسرپرست».

شرط نداشتن برادر، پدر یازنشسته و نان‌آور خانواده بودن از دیگر مواردی است که زنان در مسیر دریافت کارت کار با آن مواجه شده‌اند.

تنها اعلام رسمی از سمت مدیر کل اشتغال اتباع خارجی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در سال ۹۳ است که گفته: به‌کارگیری و اشتغال بانوان اتباع خارجی به‌عنوان خدمه یا عناوین دیگر در منازل مسکونی غیرقانونی است؛ اما نه دلایل آن مشخص شد و نه محدوده آن. آنچه مشخص است، این است که ممنوعیت اشتغال زنان مهاجر در ایران غیرقانونی است و براساس سلیقه شخصی تصمیم گرفته می‌شود. صابره که فارغ‌التحصیل رشته پرستاری است و یک سالی می‌شود به دنبال گرفتن مجوز کار در بیمارستانی است که اعلام نیاز خود را برای نیروی کار اتباع‌اعلام کرده، از رفتار یکی از کارمندان وزارت بهداشت می‌گوید: «یه آقای بی بود تو وزارت بهداشت، خیلی سنگ مینداخت جلوی پای ما، به بار گفـت: تو اتباعی برای چی می‌خوای کار کنی؟ بشین تو خونه یا می‌گفـت: ما نیرو نمی‌خوایم برو سیستان‌وبلوچستان. درحالی‌که من می‌دونستم دوستانم و پرستارای دیگه تو بیمارستان دارن به خاطر نبودن نیرو، له می‌شن زیر فشار کاری».

کار خانگی، نیروی کار ارزان‌تر

بی‌توجهی به اشتغال قانونی زنان افغانستانی آنها را در معرض نابرابری مضاعف در مقایسه با دیگر مهاجران قرار می‌دهد. در نتیجه به صورت رسمی وارد بازار کار نمی‌شوند. موقعیت تبعیض چندگانه، نداشتن حقوق شهروندی، تبعیض معمول مربوط به جنسیت در فرهنگ، خانواده و قانون، وابستگی اقتصادی، تعلق به طبقه فرودست اجتماع، تفاوت‌های قومی و نژادی موجب روبه‌روشدن آنان با نوعی طرد و تنگ اجتماعی می‌شود. آنان به خدمات اجتماعی مانند بیمه دسترسی ندارند، بازار کار رسمی را از دست می‌دهند و فرصت مشارکت اجتماعی را ندارند.

مهاجرت و جنسیت دو متغیر مرتبط با اشتغال غیررسمی است. مهاجران افغانستانی در ایران اصولا به دو دسته مردان مجردی که برای کار به ایران آمده‌اند و مردانی که با خانواده (زن و کودک) به قصد زندگی دائمی به ایران آمده‌اند، تقسیم می‌شوند؛ اما با طولانی‌شدن وضعیت افغانستان و حضور دوباره طالبان، هم مهاجرت زنان به قصد تحصیل و زندگی بیشتر شده، هم نسل دوم و سوم به سنی رسیده‌اند که مستعد حضور در جامعه و شاغل‌شدن هستند. نسلی‌که در این

کشور تحصیل کرده و حرفه‌ای را

کسب کرده‌اند. زنان افغانستانی ساکن در ایران یا بی‌سوادند و سواد اندک دارند یا دانشجو و فارغ‌التحصیل‌اند. معضلات ناشی از مهاجرت مانع بزرگی در مسیر پروژه‌های توانمندسازی زنان دسته اول است. وابستگی مالی به مردان در میان این زنان نه‌تنها موجب افزایش محرومیت آنان می‌شود، بلکه میزان نقش‌آفرینی و قدرت تصمیم‌گیری آنان را نیز کاهش می‌دهد. ممنوعیت اشتغال زنان و طولانی‌شدن وضعیت افغانستان و حضور دوباره طالبان، هم مهاجرت زنان به قصد تحصیل و زندگی بیشتر شده، هم نسل دوم و سوم به سنی رسیده‌اند که مستعد حضور در جامعه و شاغل‌شدن هستند. نسلی‌که در این کشور تحصیل کرده و حرفه‌ای را کسب کرده‌اند. زنان افغانستانی ساکن در ایران یا بی‌سوادند و سواد اندک دارند یا دانشجو و فارغ‌التحصیل‌اند. معضلات ناشی از مهاجرت مانع بزرگی در مسیر پروژه‌های توانمندسازی زنان دسته اول است. وابستگی مالی به مردان در میان این زنان نه‌تنها موجب افزایش محرومیت آنان می‌شود، بلکه میزان نقش‌آفرینی و قدرت تصمیم‌گیری آنان را نیز کاهش می‌دهد. ممنوعیت اشتغال زنان و شرط سرپرست خانوار بودن برای اتباع غیرفعال (از نظر اقتصادی و نه جنبه‌های اجتماعی و تربیتی) معرعی می‌شده‌اند، داشته

است و نگرشی مثبت به خود

را ایجاد می‌کند، به دلیل ویژگی‌های کار خانگی مانند توافق بدون قرارداد، نامنی شغلی، تمام‌وقت‌بودن، فقدان ارتباط با همکاران و... زمینه سوءاستفاده کارفرمایان غیرمنصف را فراهم می‌آورد. ریحانه دربارۀ کار خیاطی که مادرش انجام می‌داد، می‌گوید: اسمش کیسه‌ست ولی چون باید تمیزتر دوخته بشه، خیلی زمان می‌گرفت. برش‌زدن هزار تا کیسه و دوختنش، دونه‌ای دو تومن واقعا ظلمه. صبح تا شب

باید مشغول باشی، سر وقت تحویل بدی و از بیرونیم بهتر بدوزی».

محبوبه هم از تفاوت قیمت فروش کالا در بازار و پولی که به خیاط‌ها در خانه می‌دهند گفت:

«یکی، دو سال پیش لباس ورزشی‌ای که ۳۰۰، ۴۰۰ تومنۀ تو بازار به ما می‌گفتن بدوزید دونه‌ای هفت تومن. اصلا درآمدی نداره؛ ولی زحمتش خیلی زیاده».

ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی زنان مهاجر دسته اول، مانند فقر، محدودیت خروج از خانه، مهارت پایین و تحصیلات اندک و اقامت غیرقانونی، آنها را در موقعیتی قرار می‌دهد که به‌عنوان نیروی کار ارزان منتظر و حرف‌شنو تعریف شوند. زنانی که چنین وضعیتی دارند، بخشی از نیروی ذخیره کار را تشکیل می‌دهند و کارفرمایان با استفاده از چنین وضعیتی و با فقدان حمایت قانونی از زنان کارگر مهاجر می‌توانند شرایط خود را با کمترین مانعی به آنها تحمیل کنند و زنان مجبورند شرایط کارفرما را به تمامی قبول کنند.

زهر را ایران متولد شده، تحصیلات دبیرستان را تمام کرده و به دلیل ازدواج در همان سن و بچه‌دارشدن ادامه تحصیل ندهاده، وضعیت نامتعادل کار همسرش و علاقه خودش به کار باعث شده به کار در خانه بیاورد؛ «من تو دبیرستان کلاس زبان می‌رفتم، به درجه استادی رسیده بودم، ول کردم یه مدت به خاطر ازدواج و... بعد که خواستم برم تدریس کنم و استخدام شم، بعضی آموزشگاه‌ها اصلا اجازه کار نمی‌دادن. می‌گفتن شما غیرقانونی هستید، مکه این کارت آمایشا قانونی نیست؟! به جاهایی هم می‌گفتن بیمهت نمی‌کنیم و کلا حقوق کمتری پیشنهاد می‌دادن».

زهرآ قید تدریس را می‌زند و ترجیح می‌دهد در خانه کار کند: «با خودم گفتم خه همین درآمد رو با خیاطی و کفش‌دوزی درمیارم. تازه خونه پیش بچه‌م هم هستم؛ ولی نه، الان ایبایی که برامون کار میارن برای هر کفشی شندرغاز بهت نمیدن. این زمان رو شوهرم بیرون بذاره سه برابر درمیاره».

از معدود مشاغل زنان تحصیل‌کرده فعالیت در سمن‌های حوزه مهاجران، پژوهشگری، معلمی در مدارس خودگردان و فعالیت‌های هنری و رسانه‌ای و... است و در موارد محدود فارغ‌التحصیلان رشته‌های پزشکی، پرستاری و مامایی در درمانگاه‌ها و مطب شخصی مشغول به کار هستند.

جمع‌بندی

به نظر می‌رسد سیاست‌گذاری اشتغال برای اتباع در ایران معطوف به مردان است و زنان در قوانین و بازار کار ایران نادیده گرفته شده‌اند. برای مهاجرانی‌که از زندگی در فقر و ناامنی اقتصادی و... قرار کرده و به دنبال زندگی نسبتا متعادلی هستند، داشتن کار و منبع درآمد از ضروریات است. ممنوعیت کار برای زنان مهاجر در ایران و نداشتن فرصت به همان صورت محدودی که برای مردان مهاجر وجود دارد، هیچ‌گونه وجه قانونی، اخلاقی و اجتماعی ندارد. پیامد این

ممنوعیت، اشتغال زنان مهاجر به صورت غیررسمی است که خود زمینهای برای محرومیت و طرد بیشتر از جامعه است. وضعیت اقتصادی در شرایط کنونی به صورتی نیست که در یک خانواده فقط یک فرد (سرپرست خانوار) بتواند ابتدایات یک زندگی را فراهم کند. منطق حاکم بر ممنوعیت اشتغال برای زنان مهاجر، هرچه هست، از سیاست‌گذاری بازگشت مهاجران به کشور خودشان تا نادیده‌گرفتن زنان به صورت کلی، مسئله‌ای است که پیامدهای آن نه برای جامعه میزبان و نه مهاجران ساکن در آن مناسب نیست. بسیاری از جوانان به‌ویژه دختران افغانستانی به دلیل همین ممنوعیت اشتغال راهی کشورهای اروپایی می‌شوند و مسیر غیرمتعارف قاچاق و... را انتخاب می‌کنند. درحالی‌که کشور ایران در بسیاری از مشاغل و حرفه‌ها به نیروی ماهر نیاز دارد. اینکه آیا سیاست‌گذاری اشتغال تأثیرپذیر از پیش‌فرض‌های حاکم بر مردم ایران است و در نظر آنان زنان افغانستانی تنها خانه‌نشین‌اند یا تمایل و اجازه برای کار در بیرون را ندارند، خود مسئله مهمی است که جای کار دارد؛ اما ۵۰ سال از حضور مهاجران افغانستانی (زنان و مردان) می‌گذرد و نسل دوم و سوم آنان، اجازه کار (حتی به همان صورت محدود و لیست‌شده) را از اولیۀ‌ترین حقوق خود به‌عنوان یک مهاجر یا پناهنده می‌دانند. نمی‌توان کار و مزایای آن را سلب کرد و منتظر پیامدهای منفی آن نبود.

کمک به مرجان که تا چهارشنبه فرصت دارد

را برای خرید موبایل هوشمند جمع می‌کرد، به خاطر تورم باز هم کم می‌آورد. مرجان می‌گوید از همین‌جا بود که فهمید نباید به آرزوهایش فکر کند. وقتی دومین، سومین و چهارمین آرزویش را هم نتوانست فراهم کند، فهرست آن را پاره کرد و پذیرفت که فقط می‌تواند آن‌قدری داشته باشد که زنده بماند و سرپار نباشد؛ اما حالا مرجان برای همین زندگی حداقلی نیز به بن‌بست خورده است. پرستاری از بیماران، خیاطی و کار نیمه‌وقت در یک کافه کفاف ولع سیرینی‌ناپذیر صاحبخانه‌ها را نمی‌دهد و او تا چهارشنبه سیاهی که صاحبخانه به او وعده داده، تنها سه روز فرصت دارد؛ سه روز فرصت دارد تا ۵۰ میلیون تهیه کند و بتواند یک سال، فقط یک سال سرش را آسوده روی بالین بگذارد. برای اینکه چهارشنبه‌ها برای مرجان خاطره‌انگیز باشد، برای آنکه باز هم فهرست آرزوهایش را بنویسد، ما به او قول دادیم که کمکش می‌کنیم. در صورت تمایل مبالغ اهدایی خود را به شماره کارت ۰۳۵۲۱۸۴۴۱۰۴۷۰۶۱۰۵۰ به نام شهرزاد همتی، بانک شهر، واریز کنید. بعد از نوشتن متن اجارۀ‌نامه، کپی آن در همین صفحه منتشر خواهد شد.

زندگی این روزها برای همه سخت است. هزینه‌های بالای زندگی در ایران شرایط

را برای تأمین نیازهای اولیه خانوار روز‌به‌روز غیرممکن می‌کند. این ماجرا اما برای بعضی از آدم‌ها متفاوت است. سبیل ناامیدی و نداری‌شان با غم و درد تنهایی و بی‌کسی ملغمه‌ای می‌سازد که روزی هزار بار آرزوی مرگ می‌کنند.مرجان هم یکی از آنهاست؛ ۲۳ساله، مجرد و ره‌اشد در خیابان وقتی نوزادی چندروزه بود. حالا در آستانه ۲۳سالگی نیز حس تنهایی و نداشتن سربانه و تهدیدهای صاحبخانه از او زنی ساخته که می‌گوید از خودش و تمام جهانیزار است. مرجان یک ماه است کابوس چهارشنبه سوم خرداد را با خودش حمل می‌کند؛ چهارشنبه‌ای که صاحبخانه تهدید کرده در صورتی که مبلغ ودیعه را تأمین نکند، اندک اسباب او را که کمتر از یک وانت است، وسط خیابان می‌ریزد. در تمام این سال‌ها مرجان با وجود نداشتن خانواده، زندگی آبرومندی داشت. درس خواند و پس از تریخیص از بهزیستی، تمام تلاشش را کرد که زندگی کم‌دردسری را تجربه کند. سه شیفت کار و جمع‌کردن پول پول برای برآورده‌کردن آرزوهای نه‌چندان بزرگش، هیچ‌وقت به ثمر نرسید؛ چون وقتی پولش

برگ سبز و برگ کمپانی موتورسیکلت رادیسون رنگ

مشکی مدل ۱۳۹۵ به شماره پلاک ۷۲۳۶۷ ایران ۷۷۵

و شماره موتور 0125N3C110054 و شماره شاسی

N3C***125R9506821 به نام **سید مهدی**

بر هانی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

آگهی دعوت به مجمع عمومی شر کاه

شرکت پیشگامان کسب و کار های نوین خاور میانه (با مسئولیت محدوده) به شماره ثبت ۲1۵۷ و شناسه ملی ۱۴۰۰۷۰۷۰۱۶۸ بدینوسیله از کلیه شرکا، شرکت با نمایندگان قانونی آنها دعوت می‌شود که در جلسه مجمع عمومی شرکا، شرکت در ساعت ۱۱ روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۲/۳/۷ در آدرس تهران، خیابان شیخ بهایی جنوبی، بلوار اردکان، مجتمع تجاری-اداری آ س پ، واحد ۲۲ بجای حضور بهم رسانند.

دستور جلسه:

کلیه مواردی که در صلاحیت مجمع عمومی شرکا، باشد.

فرشاد وکیل زاده (مدیر شرکت و احدی از شر کاه)

آگهی مزایده

شرکت پیشگامان توسعه ماندگار (سهامی خاص) (وابسته به بنیاد توسعه و عمران آپارتمانات کشور) در نظر دارد شش دانگ اعیان یک واحد آپارتمان مسکونی واقع در طبقه سوم ساختمان موقوفه سید العراقین به متراژ ۱۵۸ متر مربع به آدرس: امفهان، خیابان باهنر، خیابان خادمی، کوچه فروردین پنجم را از طریق مزایده عمومی به فروش رساند. لذا ازکلیه اشخاص حقیقی و حقوقی واجد شرایط دعوت بعمل می‌آید از روز سه شنبه مورخ ۱۴۰۲/۳/۷ الی روز شنبه ۱۴۰۲/۳/۷ به همراه به شرکت پیشگامان توسعه ماندگار نسبت به خرید اسناد مزایده اقدام و اسناد خریداری شده را تکمیل و به همراه مدارک خواسته شده تا روز شنبه ۱۴۰۲/۳/۷ به دبیرخانه شرکت پیشگامان توسعه ماندگار به آدرس: تهران، خیابان شهید مظهری، خیابان فجر، کوچه مدائن، پلاک ۱۶، طبقه ۴، واحد ۱۱ تلفن ۸۸۹۴۴۸۸۲ - ۵۲۱ کدپستی ۱۵۸۸۷۶۴۵۵۴ ارسال نمایند. لازم به ذکر است شرایط شرکت در مزایده در اسناد مربوطه تعیین و مشخص شده است.

همچنین متقاضیان جهت کسب اطلاعات بیشتر می‌توانند در وقت اداری با شماره تلفن های: ۰۲۱-۸۸۸۲۴۵۳۲ تا ۰۲۱-۸۸۸۲۴۵۳۱ تماس حاصل فرمایند.